

حامد پارسا*

Parsa.ha2014@gmail.com

نشست علمی «بررسی حق تجسس نیروی انتظامی در اعمال منافی عفت»

مقدمه

نشست «بررسی حق تجسس نیروی انتظامی در اعمال منافی عفت» با حضور دکتر احمد حاجی ده‌آبادی، عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران و دکتر محسن برهانی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و با اجرای حجت الاسلام کاشانی در مرکز آموزش های تخصصی فقه برگزار شد. در ابتدای این نشست آقای حامد پارسا، فارغ‌التحصیل مرکز آموزش های تخصصی فقه و طلبه سطوح عالی حوزه علمیه قم گزارشی از مقاله خود درباره موضوع را ارائه داد و سپس اساتید حاضر در جلسه، این موضوع را بررسی کردند.

بیان مسأله و ابعاد موضوع

یکی از وظایف حکومت اسلامی جلوگیری و برخورد با اعمال منافی عفتی است که در جامعه انجام می‌شود. اما آیا حکومت و مأموران حق دارند برای کشف اعمال منافی عفت تحقیق و تجسس کنند؟ در صورت جواز تجسس، محدوده‌ی آن چه مقدار است؟ آیا حکومت می‌تواند برای جلوگیری از عمل منافی عفت، وارد حریم خصوصی افراد شود؟ ماده ۱۰۲ آیین دادرسی کیفری در مواردی آن را جایز می‌داند؛ ولی از آن جاکه قانون جمهوری اسلامی ایران برگرفته از فقه امامیه است، آیا از نظر فقه امامیه این کار جایز است؟ تجسس صورت‌های مختلفی دارد:

۱. تجسس در اماکن عمومی: ظاهراً این نوع از تجسس جایز است؛ اگر چه برخی از فقها نظر دیگری دارند.
۲. تجسس در حریم خصوصی افراد: فقها به آیات و روایات مختلفی استناد می‌کنند و چنین کاری را جایز نمی‌دانند.

*دانش‌آموخته مرکز آموزش های تخصصی فقه و طلبه سطح سه حوزه علمیه قم.

۳. تجسس در اعمال منافی عفت به طور سازمان یافته: ظاهر این است که در این مورد، از باب ضرورت، تجسس جایز است و حکم یک عمل منافی عفت صرفاً ندارد.

۴. تجسس به درخواست شاکی: ظاهر این است که در تجسس از اعمال منافی عفت فرقی بین وجود شاکی خصوصی و غیرشاکی خصوصی نیست؛ زیرا عمل خلاف عفت از حقوق الله است. برخی از فقها حتی در صورت وجود شاکی خصوصی، به عدم جواز تجسس تصریح کرده‌اند. اگر چه در حدود الله، وجود شاکی نقشی ندارد؛ ولی بنا بر مصلحت و ضرورت اجتماعی و تراحم آن با فعل حرام می‌توان حکم به جواز تجسس داد.

تبیین محل نزاع

دکتر برهانی در تبیین محل نزاع بیان کردند: نظام تقنینی و همچنین رویه‌ی ما با دو ماده بسیار مهم درگیر است. یکی ماده ۱۰۲ آئین دادرسی کیفری و دیگری ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی است که قبل از ماده ۱۰۲ تصویب شد. ماده ۱۰۲ هر چند مصوبه سال ۹۲ بود، ولی با دو سال تأخیر در تابستان ۹۴ اجرایی شد. هنوز این درگیری وجود دارد و ریشه‌ی آن در اختلاف برداشت رویه از این ماده است.

تجسس به صورت عام

دکتر برهانی در ادامه افزودند: یکی از موضوعاتی که در نظام قضایی و محاکم، به شدت با آن درگیر هستیم، بحث تحقیق یا تجسس است. این امر محدود به جرائم منافی عفت نیست و در همه جرائم قابل طرح است. یکی از مواردی که در قضاوت با آن مواجه می‌شوید، احساس تکلیف ضابط بر جمع‌آوری ادله و تحقیق خودسرانه و آوردن متهم با ادله پیش فرض، نزد شماس است؛ فرقی نیز میان جرائم منافی عفت با حمل مشروبات الکلی نیست. در گام اول باید روشن شود که تکلیف مقام تحقیق چیست؟ مقام قضایی تحقیق یا ضابط اگر به هر طریقی متوجه وقوع عمل منافی عفت شود، چه باید کند؟ آیا موظف است که خودسرانه و بدون حکم قضایی، تحقیق و ادله لازم را جمع‌آوری و سپس مجرم را دستگیر کند؟ بر فرض که تحقیق و دستگیری را جزء وظایف او بدانیم؛ پس از آنکه مجرم را بازجویی می‌کند، باید چه برخوردی داشته باشد؟ آیا می‌تواند به هر دلیلی و به هر شیوه‌ای تمسک کند؟ یا باید به ادله خاصی رجوع کند؟ مثلاً آیا می‌تواند دوربین گوشی افراد حاضر در صحنه را بررسی کند و در صورتی که فیلم و یا عکسی در آن‌ها یافت، با استناد به آن‌ها علم به جرم و مختصات آن پیدا کرده و حکم را صادر کند؟

تحصیل دلیل از طریق نامشروع

دکتر برهانی بیان کردند: دوستان را ارجاع می‌دهم به ماده ۳۶ آئین دادرسی کیفری که به قانون‌گذار

می‌گوید: «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.» این ماده در نظام قضایی ایران شبهه‌ای را ایجاد می‌کند که اگر تحصیل ادله به صورت نامشروع بود، آیا می‌توان به آن دلیل تمسک کرد؟ وقتی دلیل به صورت نامشروع کسب و سپس به قاضی داده شد، مثلاً در ب‌خانه را شکستند و محموله مواد مخدر را پیدا کردند، آیا قاضی می‌تواند بگوید این نوع تحقیق اشتباه است و مقام تحقیق را مجازات کند، ولی نتیجه تحقیق را معتبر بداند و بر اساس چنین تحقیقی حکم بدهد؟

در یکی از کشورها یک رأی تاریخی صادر شد و هنوز به این مطلب در کشورهای اروپایی تاکید می‌شود. این پرونده را با رویه‌های خود ما مقایسه کنید: «یک آدم‌زبای حرفه‌ای یک طفل را ربود. جان طفل در معرض خطر قرار گرفت. پلیس به متهم گفت اگر اقرار نکنی که طفل کجاست؛ آمپولی را به تو تزریق می‌کنیم که واقعیت را خواهی گفت. مثلاً مرفین به بدنت تزریق می‌کنیم و بدنت بی‌حس می‌شود. اما او را مورد ضرب و شتم قرار ندادند و تهدید به ضرب و شتم هم نکردند. در حالی که جان طفل در خطر است. دادگاه حکم به برائت آدم‌زبا داد و گفت همین که گفته شده «آمپول به تو تزریق می‌کنیم» تهدید به شکنجه است و دلیل از طریق نامشروع به دست آمده است و حکم نمی‌تواند از منبع آلوده، سیراب و اشراب شود؛ یعنی نمی‌توان از طریق نامشروع دلیل را تحصیل کرد.»

همچنین دوستان را ارجاع می‌دهم به فرمان هشت ماده‌ای مرحوم امام خمینی که در اوایل دهه شصت صادر کردند. در این فرمان آمده است که اگر به محل استقرار سازمان‌های مجاهدین وارد شدید و به مجالس حرام یا مشروبات الکلی برخورد کردید نهی از منکر کنید و سپس بیرون بیاید. نمی‌توانید مشروبات الکلی را ضبط کنید؛ بلکه فقط افراد را برای محاکمه ببرید.

اشکال در اجمال مخصص

دکتر برهانی در ادامه بیان کردند: یکی از مشکلات ما وجود مخصص‌های متصل مجملی است که اجمال آن‌ها به عام سرایت می‌کند و عام را بی‌ارزش می‌کند. برای نمونه اگر بگوییم تجسس در اعمال منافی عفت ممنوع است مگر آنکه به امنیت و نظم عمومی مربوط شود یا ممنوع است مگر اینکه برخلاف مصالح نظام باشد. این مخصص اجمال دارد. اشکال من در این «مگر» است. چون مخصص ما مجمل است و عموماً باعث می‌شود عام از بین برود. سؤال این است که ملاک تشخیص نظم عمومی، امنیت، مصالح کلیه و... چیست؟

مقام تشخیص کیست؟ و با چه معیاری باید تشخیص داد؟

حکم تکلیفی یا وضعی تجسس

در ادامه دکتر حاجی ده‌آبادی طرح بحث خود را اینگونه آغاز کردند: نکته اول بحث در تعیین محل نزاع این است که مشخص شود به دنبال حکم تکلیفی تجسس در امور منافی هستیم یا حکم وضعی تجسس. یک زمان بحث می‌کنیم که تجسس حرام است یا نه؟ ولی یک زمان بحث می‌کنیم که بر فرض حرمت تجسس، ادله‌ای که در این زمینه جمع‌آوری شده است - به خصوص اگر باعث علم برای قاضی شده باشد - آیا می‌توان بر اساس آن حکم صادر کند یا نه؟ هر چند مقاله‌ی آقای پارسا و فرمایشات آقای برهانی ناظر به حکم تکلیفی است، ولی باید بحث را به سمت حکم وضعی ببریم و بگوییم این ادله برای قاضی قابلیت استناد ندارد. حرام بودن یا نبودن، بحث مهمی است؛ اما آنچه برای قاضی اهمیت دارد، این نکته است که قاضی نمی‌تواند طبق این ادله حکم صادر کند.

علم طریقی یا موضوعی

دکتر حاجی ده‌آبادی افزودند: اینکه ادله به دست آمده‌ی با تجسس، برای قاضی قابل استناد است یا خیر، به این مسئله برمی‌گردد که علم را طریقی بدانیم یا موضوعی. احتمال دارد که بگوییم علمی که در اینجا آمده، علم موضوعی است؛ نه طریقی. پس ممکن است قانون‌گذار وارد شود و بگوید چون علم در اینجا موضوعی است، پس علم ناشی از این ادله معتبر نیست؛ همچنان که علم ناشی از اقرار همراه با شکنجه اعتبار ندارد.

اشکال در ممنوعیت تحقیق

دکتر حاجی ده‌آبادی گفتند: در مورد مقام تحقیق‌کننده - یعنی نیروی انتظامی یا ضابط - نیز توجه به این نکته لازم است که مشکل در ممنوعیت تحقیق چیست؟ آیا مشکل ناشی از این است که این افراد فقط چندان با ضوابط قانونی آشنا نیستند و ممکن است خطا رخ دهد، لذا به طور کلی تحقیق آن‌ها را ممنوع دانسته‌ایم؟ ظاهراً این‌گونه نیست؛ بلکه حتی اگر یک مجتهد - که با ضوابط به طور کامل آشناست - در مقام تحقیق قرار بگیرد باز هم این ممنوعیت مطرح است. به نظر می‌رسد که تجسس مطلقاً حرام است. در بیان آقای دکتر برهانی این‌گونه بود که ظاهراً محل اشکال، مخصّص ماده است. به عبارت دیگر آیا تجسس در منافی عفت حرام است، جز در برخی موارد که ضرورت دارد؟ یا اینکه تجسس در هر موردی، حرام است؛ چه منافی عفت باشد چه امری دیگر؟ اگر تجسس حرام است، کل تجسس حرام است یا در امور منافی عفت؟ ادله‌ای که آقای پارسا در مقاله آورده‌اند

حرمت تجسس را مقید به چیزی نمی‌کند و در همه حوزه‌ها این حرمت را می‌آورد. اگر حرمت تجسس در همه موارد باشد، پس مواردی که در قضاوت‌های حضرت امیر علیه السلام به نوعی تجسس است، چه باید کرد؟

متعلق نهی در تجسس

دکتر حاجی ده‌آبادی ادامه دادند: یک وقت مخاطب «لاتجسسوا» مردم عادی جامعه بوده و یک وقت حکومت و حاکم جامعه هستند. سؤال این است که حکومت واقعاً می‌تواند منتظر کشف اتفاقی جرم باشد؟ منتظر باشد تا کسی بیاید اقرار کند یا شهود شهادت به جرم دهند. آیا ممکن است یک چیزی برای مردم عادی مستحب باشد، ولی برای حکومت واجب شود؟ سؤال این است که حکومتی که وظیفه دارد امنیت اجتماعی و امنیت قضایی برقرار کند، آیا می‌تواند منتظر کشف اتفاقی جرم بماند یا نه؟ چون در کنار «لَا تَجَسَّسُوا»، تعبیر «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ» را هم در روایات داریم، اگر چه بحث مربوط به کارگزاران است.

دلیل عدم تقیید شهادت به «عدم تجسس»

دکتر حاجی ده‌آبادی سپس گفتند: اشکالی که می‌توان به ماده ۳۶ آیین دادرسی کیفری وارد کرد، این است که چرا در بحث اثبات زنا یا لواط - که علاوه بر آیات قرآن، قریب به هشتاد روایت درباره‌ی آن وارد شده است - هیچ‌گاه نیامده است که شهادت معتبر است مگر اینکه با تجسس باشد؟ اگر منظور دیدن به صورت اتفاقی باشد که به ندرت پیش می‌آید چهار شاهد چنین چیزی ببینند. اگر منظور از دیدن، دیدن همراه با تجسس است که با چنین کاری شهود از عدالت خارج می‌شوند، چون تجسس حرام است و با خارج شدن از عدالت شهادت‌شان مقبول نیست. پس اگر این طور حساب کنیم، روایاتی که می‌گویند یکی از راه‌های اثبات زنا شهادت است، دیگر موردی برای‌شان باقی نمی‌ماند. بنابراین به عنوان یک سؤال مطرح است که چرا در روایات اثبات زنا به وسیله شهادت، مقید به «عدم تجسس» نشده است؟

تفاوت تجسس در اعمال منافی عفت با تجسس در باقی امور

در ادامه دکتر برهانی تفاوت تجسس در اعمال منافی عفت و تجسس در سایر امور را بیان کردند: درست است که یک «لَا تَجَسَّسُوا» و یک «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ» داریم، ولی آیا در بحث اعمال منافی عفت «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ» وجود دارد؟ چرا قانون‌گذار در ماده ۲۴۱ قانون مجازات در بحث لواط، تفخیز و مساحقه می‌گوید در صورت نبود ادله‌ی اثبات قانونی بر وقوع جرائم و انکار متهم، حق هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان، ممنوع است و موارد اکراه و... را خارج می‌کند؛ ولی در ماده ۱۰۲ یک گام بالاتر می‌رود و انجام هرگونه تعقیب و تحقیق را ممنوع

دانسته است؟ تعقیب از وظایف دادستان است. اگر فرض کنیم شما محقق و مجتهد و پلیس قضایی حرفه‌ای هستید، ولی آیا در امور منافی عفت حق تحقیق دارید؟ جناب دادستان شما حق تعقیب ندارید؛ یعنی نمی‌توانید ارجاع دهید که تحقیق کنند و او هم حق تحقیق ندارد. پس آن بحث کلی در تجسس را که آقای حاجی‌ده‌آبادی فرمودند در همه جا نمی‌توان تطبیق داد. بله؛ در جرائم مالی، اختلاس‌ها و... من هم با آقای حاجی‌ده‌آبادی همراه هستم که نباید منتظر کشف اتفاقی جرائم باشیم؛ قانون‌گذار چنین منعی ایجاد نکرده است و دادستان باید با اطلاع از جرم دعوای عمومی را شروع کند. اما در باب منافیات عفت قانون‌گذار این منع را ایجاد کرده است. تجسس به طور کلی در همه جرائم ممنوع نیست. مگر می‌شود ممنوع باشد در حالی که همه سرقت‌ها به صورت مخفیانه است و در مرئی و منظر نیست؟ کسی که می‌خواهد اختلاس، قاچاق و... انجام دهد به صورت آشکار که انجام نمی‌دهد. پس واضح است در برخی موارد باید حاکمیت تحقیق و تجسس داشته باشد. اما محل نزاع در خصوص منافیات عفت است.

استثنائات ممنوعیت تجسس

در ادامه دکتر برهانی با تأکید بر اینکه در منافیات عفت تحقیق ممنوع است، موارد استثنائی که در قانون بیان شده است را بررسی کردند: اولین مورد آن موارد سازمان یافته است که البته در مصادیق با نویسنده مقاله اختلاف داریم. سازمان یافته یعنی برنامه‌ریزی برای فساد؛ یعنی یک شبکه فساد شکل بگیرد. مثلاً تأسیس یک کانال تلگرامی مشتمل بر پورنو، اگر در معرض استفاده همه باشد، قطعاً در مرئی و منظر را شامل می‌شود؛ ولی آیا سازمان یافته را هم در بر می‌گیرد؟ قید سازمان یافته تا کجاست؟ به نظر من این قید سازمان یافته در مقاله آقای پارسا نیاز به تأمل و تحقیق بیشتر دارد.

مورد دوم، موارد عنف است که محل اختلاف نیست. سومین مورد، مربوط به مواردی است که در مرئی و منظر باشد. قانون‌گذار می‌گوید در جرائم منافی عفت ورود پیدا نکنید، مگر اینکه جرم در مرئی و منظر باشد. دقت کنید منظور از مرئی و منظر این است که جرم در مرئی و منظر باشد؛ نه متهمین و مجرمین! دختر و پسر در خیابان هستند، ولی آیا این جرم در مرئی و منظر است؟ در اینجا جرم در مرئی و منظر نیست، بلکه متهم در مرئی و منظر است. نمی‌توانم سؤال کنم که نسبت شما چیست و بعد از مشخص شدن نسبت، آن‌ها را بازداشت کنم.

چهارمین مورد مربوط به شاکی خصوصی است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که عمل منافی عفت، حق الله است، نه حق الناس؛ پس چرا مقید به وجود شاکی خصوصی شده است؟ قانون‌گذار می‌گوید

من این را حق الله می دانم. به همین دلیل چنانچه زنا با ادله شرعی به اثبات رسید و شاکی گذشت کرد، حد ساقط نمی شود. ولی شروع دعوی عمومی مشروط به شکایت است، نه اینکه زنا را حق الناس بدانیم. حال با این وضعیت چرا شاکی خصوصی می تواند مجوز برای تحقیق شود، در حالی که حق الله است نه حق الناس؟ علاوه بر این، سؤال دیگری که در اینجا مطرح است درباره ی مصداق شاکی خصوصی است. در رویه، اختلاف شدیدی وجود دارد که شاکی خصوصی کیست؟ شوهر نسبت به همسر؛ پدر نسبت به دختر؛ زن نسبت به همسر خود؟ و... قطعاً خود بزه دیده را در بر می گیرد؛ مثلاً در خیابان کسی با توسل به زور و اجبار، زنی را بیوسد. ماده ۱۰۰۰ آیین دادرسی کیفری او را شامل می شود، زیرا چنین فردی در این حالت بزه دیده است.

سکوت روایات باب شهادت

آقای دکتر حاجی ده آبادی اشکالی را مطرح کردند که چرا ادله شهادت مقید به عدم تجسس شهود نشده است؟ روایات شهادت شهود در این زمینه ساکت است. اما روایات در خصوص شهادت مبتنی بر تجسس اطلاق دارد. اگر آقای دکتر تمسک به اطلاق روایات شهادت شهود بکنند، باید این اطلاق ثابت شود: در واقع، هم در مقام بیان بودن و هم عدم وجود قدر متیقن در مقام تخاطب و هم عدم وجود قرینه باید روشن شود. علاوه بر این، باید ثابت شود که روایات دیگر نمی توانند اطلاق را از بین ببرد. اصلاً آیا شهادت بر اساس تجسس در آن زمان مبتلی به بوده است که وقتی نص می خواهد آن را بیان کند، ناظر به آن مورد باشد؟

رابطه ی «لَا تَجَسَّسُوا» و «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ»

آقای دکتر حاجی ده آبادی در نقد و بررسی مطالب آقای دکتر برهانی گفتند: کلمات آقای برهانی دوپهلواست، آیا شما اصل تخصیص را قبول دارید یا می گوید چون مخصص مجمل است ما دست از تخصیص برمی داریم؟ در رابطه با «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ» باید به دو نکته توجه شود: اول اینکه اثبات الشی نفی ما عده نمی کند. دوم هم اینکه این حکم در خصوص کارگزاران است که گزارشی که عیون می دهند، برای صدور حکم کفایت می کند، اگر چه شهادت نباشد. در اینجا به طریق اولی می توان گفت در منافیات عفت تجسس مجاز است. شما در سرقت، کلاه برداری و... می گوئید تجسس جایز است، ولی چرا در منافی عفت حرام باشد؟ آیا نمی شود در اینجا به قیاس اولویت تمسک کرد؟ مثلاً کسی متهم است به سرقت مال اندکی و حاکم بتواند تجسس کند، ولی در بحث دیگر نتواند؟ یا در بحث امور مستوجب تعزیر (کلاه برداری و...) تجسس جایز است، ولی در حد نه؟ یک زمان زن و مردی متهم به زنا هستند و می گوئیم تجسس جایز نیست؛ ولی یک زمان بحث مراسمات

پارتی شبانه است و گستردگی دارد. می‌خواهم بگویم آیا حکومت می‌تواند سرش را زیر برف کند و بگوید من هیچی نمی‌بینم؟ تا زمانی که بحث شخصی است، بله، جایز نیست؛ ولی وقتی فراتر می‌رود، مثلاً هر شب در این باغ پارتی برگزار می‌شود و در مرئی و منظر هم نیست، آیا می‌توانیم از کنار آن بگذریم؟ جلسات پارتی که برگزار می‌شود تحت هیچ‌کدام از آن چهار عنوان نمی‌آید، زیرا بحث عنف و شاک نیست و در مرئی و منظر و سازمان یافته هم (طبق نظر شما) نیست. حکومت نمی‌تواند از کنار این قضایا بگذرد و بگوید به من ربطی ندارد.

اشکال به قانون به دلیل حصر موارد جواز

دکتر حاجی ده‌آبادی در ادامه افزودند: این چهار استثنایی که در قانون آمده، طبق چه مبنای شرعی است؟ مبنا همان ضرورتی است که آقای پارسا در مقاله آورده‌اند. وقتی هم که ضرورت باشد، منحصر در این چهار مورد نمی‌شود. ممکن است موارد دیگر را هم شامل شود؛ از جمله اینکه حکومت بالاخره وظیفه دارد جلوی فساد را بگیرد و نمی‌تواند منتظر باشد تا زمانی که به صورت اتفاقی قصه بر ما روشن شود. مبنای این چهار استثناء چیست؟ نص خاصی که ما در این زمینه نداریم، مبنا همان بحث تزاممی است که آقای پارسا مطرح کردند. از یک طرف ادله «حرمت تجسس» را می‌گوید و از یک طرف بحث ضرورت اجتماعی و حفظ نظم و انتظام است. اگر این باشد که تزامم در این چهار مورد خلاصه نمی‌شود و فراتر می‌رود و شامل موارد دیگر هم می‌شود. در برخی از زمان‌ها بحث شخصی است؛ ولی در برخی از زمان‌ها بحث فراتر رفته است. فرض کنید گزارش رسیده است که ناظم مدرسه با دانش‌آموزان رابطه نامشروع داشته است؛ ولی شکایتی وجود دارد و عنف بودن هم محتمل است و باید اثبات شود. یا اصلاً احتمال عنف هم نباشد، آیا حتی با وجود ضرورت اجتماعی، نمی‌شود تجسس کرد؟

پاسخ به اشکال عناوین لغزنده

در ادامه آقای دکتر حاجی ده‌آبادی اشکال آقای برهانی مبنی بر مبهم و لغزنده بودن این عناوین را این‌گونه پاسخ دادند: این که می‌فرمایید عناوین لغزنده هستند؛ یک اشکال عمومی است؛ در سایر موارد هم چون عسر و حرج نظیر آن را داریم؛ چه باید کرد؟ نمی‌توان که عنوان را کنار گذاشت و قانون وضع نکرد! بالاخره هر قانونی وضع شود، یک سری عنوان دارند. مثلاً در بحث «گسترده»، گسترده را چطور معنا کنیم؟ ده نفر یا نه نفر؟ اگر عنوان را هم نیاوریم، نمی‌شود؛ مثلاً در ماده ۲۸۶ ناچاریم که از این عناوین استفاده کنیم. در ادامه جلسه با پرسش و پاسخ شرکت‌کنندگان از اساتید به پایان رسید.